

سنجش میزان گرایش‌های خانوارهای عشایری در زمینه اسکان و مشکلات موجود (بررسی موردی عشایر عرب جرقویه)

محمدرضا ایروانی* - عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد خمینی شهر

چکیده

با توجه به وضعیت گرایش‌ها و روندهای موجود در میان عشایر کل کشور، در حال حاضر عشایر کشور را می‌توان بر مبنای نوع گرایش و تمایلی که در رابطه با ادامه زندگی کوچ‌نشینی دارند، به دو گروه تقسیم نمود؛ گروهی که به دلایل عمده، تمایل به کوچ و ادامه زندگی کوچگری دارند و گروهی که تمایل به اسکان دارند. وجود این دو گرایش دوگانه در میان عشایر کشور این الزام را پدید می‌آورد که خط مشی پیشنهادی برای زندگی آینده عشایر، باید اهداف دوگانه‌ای را دنبال نماید. از یک طرف بایستی امکانات لازم را جهت بهبود و اصلاح زندگی کوچگری فراهم ساخت و از طرف دیگر زمینه‌های لازم برای اسکان برنامه‌ریزی شده، عشایر مایل به اسکان را ایجاد نمود. بر همین اساس تحقیق حاضر با هدف بررسی و سنجش تمایلات و گرایش‌های خانوارهای عشایر عرب جرقویه، نسبت به کوچ و اسکان و شناخت ننگناها و مشکلات اقتصادی، اجتماعی و زیستی آنها در دو زمینه کوچ و اسکان انجام گرفت. جامعه آماری مورد تحقیق، خانوارهای عشایر عرب جرقویه که تحت پوشش خدمات سازمان امور عشایر اصفهان قرار دارند، می‌باشند. تکنیک (فن) جمع‌آوری اطلاعات پرسشنامه است. عملیات آماری در دو سطح توصیفی و استنباطی صورت گرفته است. در سطح توصیفی با استفاده از درصد و میانگین، به تجزیه و تحلیل و مقایسه داده‌ها پرداخته شده و در سطح استنباطی از آزمون گای اسکور و ضریب توافق چوپرف استفاده شده است. نتایج حاصله نشان می‌دهد که مهم‌ترین علت کوچ روی خانوارهای کوچ‌رو از نظر فراوانی، نداشتن تخصص و دیگری امرار معاش و استفاده از مراتع طبیعی بوده است که عمدتاً از روی رضایت و یا علاقه شخصی و فردی صورت نمی‌گیرد. ولی به علت این که در صورت اسکان نمودن در منطقه قشلاق، زمینه اشتغال وجود ندارد، این شیوه را ادامه می‌دهند. مهم‌ترین علل علاقه افراد به اسکان به ترتیب فراوانی، عدم تحمل مشقات کوچ‌روی یا نداشتن درگیری در ارتباط با مرتع و استفاده از امکانات رفاهی هر چند به مقدار کم بوده است که بر اساس انگیزه‌های اقتصادی و علاقه شخصی

* E.mail : Iravani hoosh @ yahoo.com

صورت نمی‌گیرد. به طور کلی خانوارهای فوق به لحاظ شرایط نامناسب در دو شیوه زندگی، مجبورند به یکی از این دو شیوه علاقه داشته باشند. مهم‌ترین مشکلات خانوارهای کوچ‌رو برای منطقه بیلاق به ترتیب فراوانی، کمبود داروی دامی، نداشتن پروانه چرا، ممانعت دیگران در عبور دام، مشکل دسترسی به پزشک و ممانعت دیگران در چرای مراتع در منطقه قشلاق، کمبود داروی دامی، کمبود علوفه و جو، عدم وجود پزشک دائمی، جایگاه نامناسب نگهداری دام و گران بودن قیمت علوفه و جو بوده است.

واژه‌های کلیدی: کوچ، اسکان، عشایر جرقویه، مسائل اقتصادی و اجتماعی، گرایش‌ها، طایفه، رمه‌گردانی

مقدمه

در متون تاریخی واژه ایل نخستین بار به هنگام حکومت ایلخانان به کار برده شده است و بر اقوام کوچ‌نشین و نیمه کوچ‌نشین شبان دلالت می‌کند (نعمانی، ۱۳۵۸). منظور از زندگی کوچ نشینی آن نوع از زندگی است که در آن انسان‌ها از راه پرورش حیوانات و معمولاً با برخورداری از فرآورده‌های کشاورزی زیست می‌کنند و در پی چراگاه‌های طبیعی سالیانه از محلی به محل دیگر کوچ می‌کنند (امان الهی، ۱۳۶۷). کوچ‌نشینی نوعی زندگی و معیشت انسانی است که در آن دامپروری اساس فعالیت‌های اقتصادی را تشکیل می‌دهد. ویژگی بارز این نوع زندگی تحرک مکانی و جابجایی گروه‌های انسانی است (ثرت، ۱۳۴۳).

سازمان ایل براساس رده‌بندی‌هایی است که به خانواده منتهی می‌شود. خانواده کوچک‌ترین واحد اجتماعی و هسته اصلی جامعه ایلی است. ساخت اجتماعی جامعه از واحد اجتماعی خانواده آغاز می‌شود به تدریج به واحد بزرگ و بزرگ‌تر مانند، طایفه و ایل ختم می‌شود. هر کدام از واحدهای کوچک در درون واحد بزرگ‌تر قرار دارد. می‌توان ساخت اجتماعی جامعه عشایری را به صورت مجموعه دایره‌های متحدالمرکزی به نظر آورد که در مرکز آن خانواده‌ی هسته‌ای شکل و دایره‌های به ترتیب محیط بر هم قرار دارد تا به دایره بزرگ منتهی می‌شود. هر چه از پیرامون دایره بزرگ به مرکز دایره‌ها نزدیک‌تر شویم؛ همبستگی میان افراد بیشتر، روابط نزدیک‌تر و صمیمانه‌تر می‌شود (امان الهی، ۱۳۶۰). به عقیده ابن خلدون ملاک همبستگی ایلی، عصبیت (غرور قومی) است که از پیوند نسبی یا خویشاوندی حاصل می‌شود و با هم‌پیمانی و هم‌سوگندی گسترش می‌یابد. از این رو نزد عشایر برخلاف یکجانشینان وابستگی به نسبت اهمیت بیشتری دارد تا وابستگی به محل (فیروزان، ۱۳۶۲). در رابطه با تاریخچه کوچ‌نشینی در ایران، نخستین اشارات تاریخی مربوط است به هزاره‌ی اول قبل از میلاد که در این دوره سرزمین وسیعی که بعدها ایران نامیده شد، مورد هجوم

اقوامی که از شمال به حرکت در آمده بودند قرار گرفت و در این که این قبایل در آغاز ورود به این کشور دامدار (رمه‌دار) بودند و به پرورش اسب می‌پرداختند؛ قولی است که جملگی برآند (طیبی، ۱۳۷۲). زندگی کوچ‌نشینی اساساً و عمدتاً مبتنی بر دامداری و یارمه‌گردانی و به طور کلی پرورش دام است (اقتصادی، ۱۳۶۶). بررسی شیوه معیشت و اقتصاد حاکم بر جوامع کوچ‌نشینان نشان می‌دهد که دامداری سنتی و کشاورزی ابتدایی و سپس صنایع دستی به ترتیب ارکان اقتصادی آنها را تشکیل می‌دهد و از مهم‌ترین موضوعات مورد مطالعه، اقتصاد کوچ‌نشینان به شمار می‌رود.

به طور کلی واحد تولید در بین کوچ‌نشینان ایران، خانوار است که یک واحد مصرف نیز می‌باشد و یکی از خصوصیات بارز کوچ‌نشینان مسأله مصرف‌گرایی و عدم توجه به سودجویی است و از طرفی در چند دهه اخیر اقتصاد کوچ‌نشینان تحت تأثیر نظام سرمایه‌داری و بازارهای بین‌المللی قرار گرفته و در نتیجه کوچ‌نشینان مجبورند قسمت بیشتری از تولیدات خود را در بازارها به فروش برسانند و در ازاء آن کالاهایی را که خود تولید نمی‌کنند و بدان‌ها نیاز دارند خریداری نمایند. البته فعالیت دامداری به مراتب فزون‌تر و مهم‌تر از کشاورزی و صنایع دستی است؛ به طور کلی برای بررسی اقتصاد کوچ‌نشینان در تمامی ابعاد می‌بایست عوامل زیرساز این نوع معیشت را مورد مطالعه قرار دهیم، بررسی چگونگی مراتع کشور به عنوان عامل اساسی در اقتصاد کوچ‌نشینی، دامداری و سپس کشاورزی (به غیر از دامداری)، صنایع دستی، فعالیت‌های متفرقه و مبادله از موضوعات مهم و قابل تعمق به شمار می‌روند و در صورت شناخت دقیق و همه‌جانبه این عامل‌ها می‌توان به امر توسعه‌ی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نواحی کوچ‌نشین دست یافت.^۱ پرورش دام با زندگی کوچ‌نشینی عجین است و در صورت هرگونه بی‌تلفاتی به این قشر از جامعه به عنوان مهم‌ترین تولیدکنندگان پروتئین حیوانی، وارد کردن تولیدات لبنی و گوشت از خارج برای رفع نیازهای داخلی و افزایش آن در هر سال علی‌رغم وجود زمینه در کوچ‌نشینان جهت تأمین گوشت و سایر فرآورده‌های دامی حتمی است؛ زیرا پرورش دام می‌تواند فعالیت اقتصادی پرمفعتی در مناطق کوهستانی باشد؛ به طوری که سودآوری یک گله که تعداد آن متناسب با نیروی کار یک خانواده متوسط باشد در سال تقریباً دو برابر تولیدات همان نیروی کار بر روی یک قطعه زمین کشاورزی است. کوچ‌نشینان برای استفاده بهتر از نیروی انسانی خود با فروش مواد لبنی به نوعی حرکت تعاونی سنتی اقدام می‌کنند که این عمل خانوار عشایر را قادر می‌سازد که برای مدتی بتوانند به صورت تعاونی به تولید فرآورده‌های لبنی اقدام کنند و کلیه فعالیت شیردوشی و تبدیل شیر به سایر مواد لبنی توسط زنان عشایر انجام می‌شود (ترکمان، ۱۳۶۴). پس از گسترش نیاز و ورود بخشی از کالاها و مصنوعات مورد نیاز کوچ‌نشینان از بیرون نقش پول برای آسان کردن مبادلات ظاهر گردید و تولیدات کوچ‌نشینان از جمله تولیدات دستی و صنعتی در زندگی آنان نقش یافت. از

آنجایی که زمین های مزروعی کوچ نشینان به طور نابرابر توزیع گردیده است؛ بعضی از خانوارها دهها هکتار زمین دارند و بعضی دیگر فاقد زمین زراعی بوده و مجبورند برای تأمین نیاز سالانه خود به ویژه نان از دیگران زمین اجاره کنند و یا این که مقدار گندم لازم را خریداری نمایند. مرتع نقش پراهمیتی را در تولید و بهره‌وری های اقتصادی در سطح کشور داراست. این عامل تولیدی بدون هزینه‌گذاری، سالانه مواد مصرفی فراوان و پراهمیتی نظیر: گوشت، پوست، لبنیات و غیره را به طور غیرمستقیم برای کشور تأمین می‌نماید و نیز در ایجاد فعالیت و اشتغال کوچ نشینان از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است (مطیعی لنگرودی، ۱۳۷۳). جمعیت کوچ نشین کشور براساس سرشماری سراسری عشایر کوچنده در سال ۱۳۶۶ به ۹ ایل و ۵۴۷ طایفه مستقل تقسیم شده است. در بین ۲۰ تا ۲۵ میلیون نفر جمعیت ساکن ایران در سال های (۵۴-۱۳۳۵) حدود ۲ تا ۳ میلیون چادر نشین وجود داشته است. که متأسفانه در سال ۱۳۶۳ با جمعیتی حدود ۴۸ میلیون نفر در کل کشور، ایلات به ۱/۵ میلیون رسیده است و براساس اطلاعات به دست آمده از سرشماری اجتماعی اقتصادی در سال ۱۳۶۶ جمعیت عشایری کشور ۱/۱۵۲/۱۱۸ نفر ثبت شده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۶۶).

جمعیت کوچ نشین کشور از ساختاری بسیار جوان برخوردار است. به طوری که ۵۱ درصد افراد کوچ نشین ایران زیر ۱۵ سال می‌باشند؛ میانه سنی جمعیت نیز نزدیک ۱۴/۵ سال است. با توجه به وضعیت گرایش ها و روندهای موجود در میان عشایر کل کشور، در حال حاضر عشایر کشور را می‌توان بر مبنای نوع گرایش و تمایلی که در رابطه با ادامه زندگی کوچ نشینی دارند، به دو گروه تقسیم نمود. گروهی که به دلایل عمده، تمایل به کوچ و ادامه زندگی کوچگری دارند و گروهی که تمایل به اسکان دارند. وجود این دو گرایش دوگانه در میان عشایر کشور این الزام را پدید می‌آورد که خط مشی پیشنهادی برای زندگی آینده عشایر باید اهداف دوگانه ای را دنبال نماید. از یک طرف بایستی امکانات لازم را جهت بهبود و اصلاح زندگی کوچگری فراهم ساخت و از طرف دیگر زمینه‌های لازم برای اسکان برنامه ریزی شده متمایلین به اسکان را ایجاد نمود. بر همین اساس در مقاله حاضر تمایلات و علایق خانوارهای عشایر عرب جرقویه نسبت به کوچ و اسکان و مشکلات اقتصادی، اجتماعی و زیستی آنها مورد بررسی قرار گرفته است و سعی گردیده تصویری اجمالی از حدود تمایلات و گرایش های آینده آنها در زمینه کوچ و اسکان ارائه شود. بررسی های به عمل آمده نشان می‌دهد که این عشایر اگر چه دارای پیشینه عشیره‌ای هستند؛ ولی آن چه به نام عشایر عرب جرقویه معروف است از کی نیا و از یک کوله بار فرهنگی خاصی نیست؛ بلکه مجموعه‌ای از خانوارهایی از ایلات مختلف و برخی از روستائینی است که بنا بر شرایط اقلیمی، این شیوه از معیشت را برگزیده‌اند. در مجموع این عشایر به علت عدم پیشینه قومی واحد، عدم وجود ارتباط قومی و نژادی بین طوایف مختلف، عدم وجود ساختار ایلی منسجم و از هم گسیختگی ساخت قدرت، از سایر ایلات متمایز می‌باشند. قلمروی پراکندگی عشایر عرب جرقویه با جمعیتی بالغ بر ۴۲۱۳ نفر، منطقه وسیعی از سه استان اصفهان، چهارمحال و بختیاری و فارس را دربر گرفته است. این حوزه با مساحتی حدود

۵۱۰۰۰ کیلومتر مربع، حدود ۱/۳۲ درصد کل کشور را شامل می‌شود. قلمروی جغرافیایی این عشایر، مشتمل بر ۱۰ شهرستان و شامل شهرستان‌های شهرضا، سمیرم، اصفهان، بروجن، لردگان، اقلید، آباد، مرودشت، شیراز و سپیدان می‌باشد. این عشایر در مناطقی بیابانی، میان بند و ایل راه‌ها در میان سه ایل بختیاری، قشقایی و خمسه پراکنده‌اند. شیوه اصلی کوچ این عشایر عمدتاً از نوع کوچ عمودی است. کاربردی بودن این پژوهش موجب گردیده تا بسیاری از مسائلی که می‌توانسته‌اند در زمینه زندگی عشایری طرح و بررسی شوند، حذف گردند و فقط به مباحث پرداخته شود که اهداف عملی تحقیق را تأمین نماید.

روش تحقیق

جامعه آماری مورد تحقیق در این بررسی، کلیه رؤسای خانوارهای عشایر عرب جرقویه که تحت پوشش خدمات امور عشایری استان اصفهان قرار دارند، می‌باشند. فرد آماری در این بررسی رئیس خانوار عشایری است. برای نمونه‌گیری ابتدا اسامی کلیه رؤسای خانوارهای عشایر عرب جرقویه از لیست مربوط به توزیع دفترچه‌های بسیج اقتصادی عشایر استخراج و براساس طایفه‌ها و بعد خانوارها جداگانه تهیه و تنظیم شد و سپس با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی سیستماتیک، ده درصد از جامعه آماری متناسب با جمعیت طایفه‌ها و بعد خانوارها انتخاب و مورد بررسی قرار گرفتند (جدول ۱).

جدول ۱- جمعیت عشایر عرب جرقویه برحسب اعضای خانوار طایفه‌ها

عرب مختاری	۱۲	۱۹	۲۸	۴۴	۴۲	۴۴	۳۹	۳۱	۱۷	۶	۲	۱	۲۰۴
عرب صالحی	۱۴	۲۲	۵۶	۴۷	۳۳	۳۲	۲۵	۱۹	۱۱	۱۱	۲	۱	۲۹۴
عرب جعفری	۶	۲۵	۲۵	۲۹	۲۷	۲۷	۲۱	۱۸	۹	۱۳	۳	۲	۲۰۵
عرب مؤمنی	۱	۹	۴	۵	۶	۹	۱۱	۸	۳	۴	-	-	۶۰
رضایی	-	۴	۱	۲	۴	۶	۲	۲	۶	۱	۱	-	۲۹
ملارضایی	۱	۱	۷	۱	-	۶	۳	۴	۲	۴	۳	-	۲۹

(منبع: یافته‌های حاصل از تحقیق)

تکنیک (فن) جمع‌آوری اطلاعات در این تحقیق پرسشنامه است. برای تکمیل پرسشنامه از مصاحبه استفاده شده است. سؤالات پرسشنامه در دو زمینه مجزای کوچ و اسکان به صورت بازپاسخ و چندگزینه‌ای طرح ریزی شده و پرسشگران با در اختیار داشتن اسامی رؤسای خانوارهای نمونه با مراجعه به آنها در روستاهای قشلاقی (نصرآباد، محمدآباد، حسین‌آباد و رامشه) اقدام به تکمیل پرسشنامه نموده‌اند. لازم به ذکر است که به منظور آشنایی با ذهنیت جامعه مورد بررسی در زمینه موضوعات و پارامترهای مورد مطالعه قبل از تدوین پرسشنامه نهایی، اقدام به انجام یک پیش تحقیق در منطقه شد. نوع روش تحقیق، توصیفی تحلیلی است و عملیات آماری این تحقیق در دو سطح توصیفی و استنباطی صورت گرفته است. در سطح توصیفی با استفاده از درصد و میانگین به تجزیه و تحلیل و مقایسه داده‌ها پرداخته شده و در سطح استنباطی از آزمون کاسکویر^۱ و ضریب توافق چوپرف (PC) که متناسب با تحقق تشخیص داده شده‌اند استفاده شده است. لازم به تذکر است که در استفاده از χ^2 در موارد ضروری از تصحیح‌های آماری و ادغام سطوح مختلف متغیرها استفاده شده است. مقاله حاضر در چهار محور به شرح زیر مورد بررسی قرار گرفته است:

در محور اول، خصوصیات اقتصادی و اجتماعی خانوارهای کوچ‌رو و ساکن نمونه شامل نوع سکونت، طایفه، بعد خانوار، سن و شغل رؤسای خانوار و روابطی که بین این خصوصیات و شیوه زندگی (کوچ‌روی و اسکان) آنها وجود دارد، مورد بررسی قرار گرفته است. **محور دوم** اختصاص به خانوارهای کوچ‌رو نمونه دارد که بخشی از خصوصیات مهم اقتصادی و اجتماعی (نظیر: محدوده بیلاقی و قشلاقی، تعداد دام، شیوه‌های بهره‌برداری از دام و مرتع، وضعیت کوچ‌روی در پنج سال گذشته، پروانه چرا، فعالیت کشاورزی، راه‌های اصلی امرار معاش خانوارهای کوچ‌رو و مهارت در مشاغلی غیر از دامداری) و نگرش و تمایلات آنها نسبت به کوچ‌روی و اسکان و عوامل مؤثر در این نگرش‌ها و تمایلات مورد بررسی قرار گرفته است. **محور سوم** اختصاص به خانوارهای ساکن نمونه دارد که بخشی از خصوصیات مهم اقتصادی و اجتماعی (نظیر: تعداد سال‌های اسکان، علل عدم کوچ‌روی، نگهداری یا عدم نگهداری دام، راه‌های مهم امرار معاش و مهارت در مشاغلی غیر از دامداری) و نگرش و تمایلات آنها نسبت به کوچ‌روی و اسکان و عوامل مؤثر در این نگرش‌ها و تمایلات مورد بررسی قرار گرفته است. **محور چهارم** مشکلات اقتصادی و اجتماعی و زیستی خانوارهای کوچ‌رو و ساکن و پیشنهادهاتی که جهت حل آن ارائه نموده‌اند، مورد بررسی قرار گرفته است.

نتایج و بحث

نتایج حاصله در خصوص محور اول یعنی خصوصیات اقتصادی و اجتماعی خانوارهای نمونه، نشان می‌دهد که:

در سال مورد بررسی، حدود ۷۵ درصد خانوارهای این ایل کوچ‌رو بوده و یکی از اشکال کوچ یعنی برون کوچی یا درون کوچی را داشته‌اند.

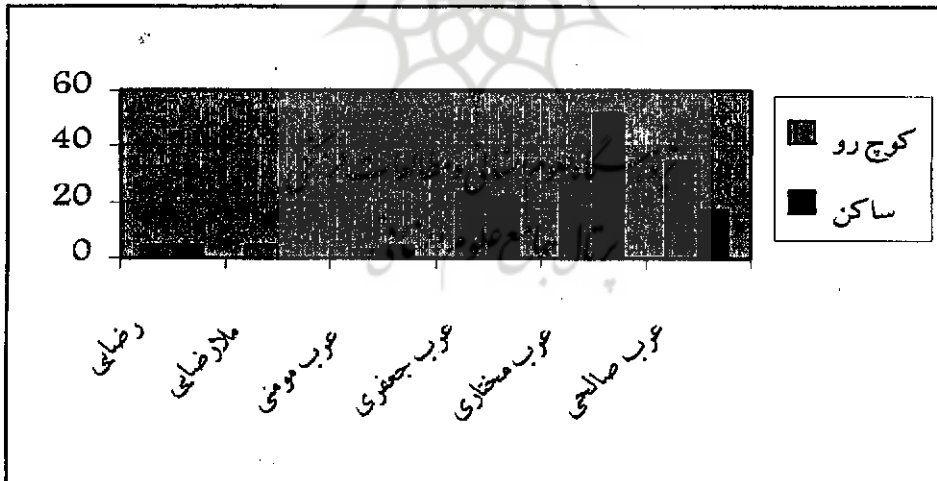
بررسی نوع طایفه خانوارهای کوچ‌رو نشان می‌دهد که ۳۵/۳ درصد آنها متعلق به طایفه عرب صالحی بوده‌اند و این نسبت برای طوایف دیگر یعنی عرب مختاری، عرب جعفری، عرب مؤمنی، ملارضائی و رضائی به ترتیب ۲۹/۴، ۲۳/۶، ۲/۹، ۴/۴ و ۴/۴ درصد بوده است (جدول ۲).

جدول ۲ - توزیع خانوارهای مورد مطالعه برحسب نوع طایفه به تفکیک کوچ‌رو و ساکن

طایفه	عرب صالحی	عرب مختاری	عرب جعفری	عرب مؤمنی	ملارضائی	رضائی	جمع
کوچ‌رو	۳۵/۳	۲۹/۴	۲۳/۶	۲/۹	۴/۴	۴/۴	۱۰۰
ساکن	۱۷/۴	۵۲/۱	۲۱/۷	۴/۴	-	۴/۴	۱۰۰

(منبع: یافته‌های حاصل از تحقیق)

نمودار ۱ - توزیع خانوارهای مورد مطالعه برحسب نوع طایفه به تفکیک کوچ‌رو و ساکن



(منبع: یافته‌های حاصل از تحقیق)

بافت سنی رؤسای خانوارهای کوچ رو نسبت به رؤسای خانوارهای ساکن، پیرتر است و از این نظر بین متغیر میزان سن و کوچ روی رابطه معنی داری وجود داشته است. این نتایج نشان می دهد که اکثریت خانوارهای ساکن یافته جوانان هستند که تحمل مشقات کوچک را ندارند. متوسط بعد خانوار در خانوارهای کوچ رو حدود ۶/۴ نفر است که در مقایسه با خانوارهای ساکن (۵/۶ نفر) افزایش نشان می دهد. اما بین متغیر بعد خانوار و کوچ روی رابطه معنی داری مشاهده نشده است.

جدول ۳- رابطه بین بعد خانوار و نوع علاقه به کوچ روی یا ساکن خانوارهای نمونه کوچ رو

جمع کل	نوع علاقه		علاقه
	ساکن	کوچ روی	
۲۸	۱۰	۱۸	۱ تا ۵ نفر
۴۰	۱۲	۲۸	۶ نفر به بالا
۶۸	۲۲	۴۶	جمع

$$X^2 = ۰/۰۵ \quad df = ۱ \quad \alpha = ۰/۰۵ \quad \text{حد نصاب } X^2 \geq ۳/۸۴$$

نسبت باسوادی رؤسای خانوارهای کوچ رو حدود ۱۱ درصد است که این نسبت در مقایسه به میزان باسوادی رؤسای خانوارهای ساکن حدود ۶ درصد کاهش نشان می دهد و بین متغیر وضع سواد و کوچ روی رابطه معنی داری مشاهده نشده است (جدول شماره ۴).

جدول ۴- رابطه بین وضع سواد و نوع علاقه به کوچ روی یا ساکن خانوار نمونه

جمع	نوع علاقه		علاقه
	ساکن	کوچ روی	
۱۷	۶	۱۱	باسواد
۵۱	۱۶	۳۵	بی سواد
۶۸	۲۲	۴۶	جمع

$$X^2 = ۰ \quad df = ۱ \quad \alpha = ۰/۰۵ \quad \text{حد نصاب } X^2 \geq ۳/۸۴$$

میزان تحصیلات رؤسای خانوارهای کوچ رو نیز کمتر از رؤسای خانوارهای ساکن است. به نحوی که هیچ کدام از رؤسای خانوارهای کوچ رو نمونه بالاتر از سطح دوران ابتدایی تحصیل

نکرده‌اند. ولی در خانوارهای ساکن نمونه، سواد حدود ۱۰ درصد آنان در این سطح بوده است. در سطح احتمال گفتار ۹۰ درصد، بین میزان سواد و کوچ روی رابطه معنی‌داری مشاهده شده است. شغل اصلی صد در صد رؤسای خانوارهای کوچ‌رو نمونه دامداری بوده است که در مقایسه با مشاغل اصلی رؤسای خانوارهای ساکن تنوعی ندارد.

نتایج حاصله در مورد خصوصیات مهم اقتصادی و اجتماعی خانوارهای کوچ‌رو نشان می‌دهد که:

در سال مورد بررسی حدود ۹۳ درصد خانوارهای کوچ‌رو، برون کوچ و به خارج از محدوده معمول قشلاقی خود کوچ کرده‌اند و ۷۰ درصد بقیه درون کوچ بوده و محدوده کوچ آنها همان منطقه قشلاقی بوده است. مهم‌ترین محدوده بیلاقی خانوارهای کوچ‌رو نمونه به ترتیب فراوانی، شهرستان‌های بروجن، آباده و اقلید بوده است که در حدود ۸۳ درصد خانوارهای فوق را جای داده‌اند.

مهم‌ترین محدوده قشلاقی خانوارهای کوچ‌رو نمونه، شهرستان‌های اصفهان (بخش جرقویه) بوده است که حدود ۷۸ درصد خانوارهای فوق به این محل کوچ کرده‌اند. سایر خانوارهای کوچ‌رو محل نگهداری دام خود را شهرستان‌های آباده و بروجن و محل سکونت خانوارهای خود را شهرستان اصفهان (بخش جرقویه) نام برده‌اند.

متوسط تعداد دام ۹۸/۵ درصد از خانواده‌های کوچ‌رو نمونه که از خود دام داشته‌اند، در منطقه بیلاق حدود ۲۳۷ و در منطقه قشلاق ۲۳۱ رأس بوده است که تفاوت چندانی مشاهده نمی‌شود (ایروانی، ۱۳۷۴). دام حدود ۸۴ درصد از خانوارهای کوچ‌رو به صورت دسته‌جمعی و مشترک و دام ۱۶ درصد بقیه به صورت انفرادی تعلیف شده است. بنابراین برطبق ارقام فوق اکثر خانوارها دام خود را مشترکاً با خانوارهای دیگر تعلیف می‌نمایند که علت آن را می‌توان در ماهیت این نوع فعالیت که نیروی انسانی بیشتری را می‌طلبد و همچنین دارا بودن پروانه مشترک و حفظ امنیت بیشتر جستجو کرد. در سال مورد بررسی حدود ۷۰ درصد خانوارهای کوچ‌رو، مراتع مورد استفاده خود را اجاره کرده‌اند. رقم فوق نشان‌دهنده توزیع نامناسب مراتع و ضعف در مدیریت توزیع آن است. زیرا در حقیقت کسانی که پروانه چرا داشته و یا حداقل ادعای حق استفاده از مراتع را می‌نموده‌اند، مانع تعلیف دام عشایر این ایل می‌شده‌اند و عمدتاً خودشان دامی نداشته و در بخشی غیر از دامداری فعالیت می‌نموده‌اند و از کسانی که نیازمند واقعی آن هستند، بابت بهره‌برداری از مرتع اجاره دریافت می‌داشته‌اند. این مسأله خصوصاً در سال‌های اخیر تشدید شده است و یکی از علل مهم نارضایتی خانوارهای کوچ‌رو از کوچ بوده است. روستاییان ساکن، عشایر ایلات دیگر و عشایر همین ایل به ترتیب فراوانی از جمله کسانی بوده‌اند که مراتع را به عشایر این ایل اجاره داده‌اند و علت عدم استفاده از مراتع توسط خود را عمدتاً نداشتن دام و اشتغال در مشاغل غیر دامداری ذکر کرده‌اند. بررسی کوچ خانوارهای کوچ‌رو در پنج سال گذشته نشان می‌دهد که هر ساله حدود ۵ الی ۱۹ درصد و به طور متوسط ۱۴ درصد خانوارها به منطقه سردسیر یا منطقه بیلاقی کوچ نکرده‌اند و کوچ آنها

در زمستان و تابستان همان قلمرو قشلاقی ایل بوده است (ایروانی، ۱۳۷۴).

مهم‌ترین علل عدم کوچ روی خانوارهای کوچ‌رو به منطقه بیلاقی در بعضی از سال‌ها به ترتیب فراوانی، نداشتن مرتع، ممانعت دیگران در چرای مراتع و بارندگی کافی در قشلاق بوده است. مکان‌های بیلاقی و قشلاقی حدود یک دوم عشایر کوچ‌رو در هر پنج سال گذشته تغییر کرده است که علل آن به ترتیب فراوانی، ممانعت دیگران در بهره‌برداری از مراتع، نداشتن مرتع و استفاده از مراتع بهتر بوده است. مسأله فوق نشانگر عدم ثبات و احساس ناامنی عشایر و مشکلات عدیده عشایر در استفاده از مراتع است. درصد خانوارهای دارای پروانه چرا در منطقه بیلاق و قشلاق به ترتیب ۴۰ و ۷۲ درصد است. ارقام فوق نشانگر یکی از مشکلات مهم خانوارهای کوچ‌رو، یعنی نداشتن پروانه چرا در درصد قابل توجهی از خانوارهای فوق است. حدود یک دوم از پروانه‌های چرا در منطقه بیلاق و حدود یک سوم آن در قشلاق خصوصی یا انفرادی و بقیه جمعی یا مشترک بوده است. در سال مورد بررسی حدود ۳۷ درصد از افراد دارای پروانه چرا در منطقه بیلاق، از حق پروانه چرای خود استفاده نکرده‌اند که مهم‌ترین علت آن این است که دیگر پروانه‌داران اجازه استفاده از مرتع خود را به دیگران می‌دهند. این مسأله بعد از نداشتن پروانه چرا در نارضایتی خانوارهای کوچ‌رو از کوچ خود، نقش مهمی ایفا می‌کند. علی‌رغم وجود زمین کشاورزی در منطقه قشلاق، به علت نبود آب کشاورزی، اشتغال عشایر کوچ‌رو این ایل به امر زراعت بسیار کم و اندک است. به نحوی که فقط ۷/۶ درصد خانوارهای فوق در این امر فعالیت داشته‌اند. میزان اشتغال به امر زراعت در منطقه بیلاق نیز اندک بوده است. به طوری که فقط ۲/۹ درصد خانوارهای کوچ‌رو نمونه این ایل به فعالیت فوق می‌پرداخته‌اند. منبع اصلی امرار معاش حدود ۹۷ درصد خانوارهای کوچ‌رو، دامداری بوده است. همچنین حدود ۶۰ درصد خانوارهای کوچ‌رو برای تأمین معاش خود به غیر از دامداری به فعالیت‌های دیگری چون زراعت، قالی‌بافی، رانندگی، کارگری و غیره می‌پرداخته‌اند (ایروانی، ۱۳۷۴).

حدود ۶۵ درصد رؤسای خانوارهای کوچ‌رو در مشاغل غیر از دامداری مهارتی نداشته‌اند که مسأله قابل توجهی است. زراعت، کارگری ساده، نخ‌ریسی و رانندگی مهم‌ترین زمینه‌های مهارت ۴۵ درصد رؤسای خانوارهای کوچ‌رو بوده است که در مشاغلی غیر از دامداری مهارت داشته‌اند. ارقام فوق نشانگر محدود بودن زمینه‌های مهارت از نظر تنوع و عدم وجود مهارت در مشاغل فنی و تولیدی (به غیر از کشاورزی) است.

نگرش‌ها و تمایل خانوارهای کوچ‌رو نسبت به کوچ و اسکان نشان می‌دهد که:

مهم‌ترین علت کوچ روی خانوارهای کوچ‌رو از نظر فراوانی، نداشتن تخصصی دیگر، امرار معاش، استفاده از تغییرات آب و هوا و استفاده از مراتع طبیعی بوده است. حدود ۷۰ درصد خانوارهای کوچ‌رو اظهار داشته‌اند که وضع فعلی کوچ‌روی نسبت به سال‌های گذشته مشکل‌تر شده است که علت آن را عمدتاً می‌توان در وضعیت نامناسب مرتع و اختلافات ناشی از بهره‌برداری آن جستجو کرد. در حدود ۷۸ درصد رؤسای خانوارهای کوچ‌رو و حدود ۵۷ درصد

همسران آنها نسبت به کوچ ابراز علاقه کرده‌اند که نشانگر علاقه بیشتر رؤسای خانوار کوچ‌رو به کوچ در مقایسه با همسران است. مهم‌ترین علل علاقه همسران به کوچ، به ترتیب فراوانی، تبعیت از خانوار و بهره‌مندی از هوای مطبوع بیلاق و در رابطه با رؤسای خانوار به ترتیب، نداشتن تخصص و بهره‌مندی از هوای مطبوع بیلاق بوده است. مهم‌ترین علل عدم علاقه به کوچ رؤسای خانوارها به ترتیب فراوانی، مشکل بودن کوچ یا ممانعت دیگران در بهره‌برداری از مراتع و کمبود مرتع و برای همسران آنها مشکل بودن کوچ‌روی است. در ارتباط با دو متغیر علاقه و بعد خانوار رابطه معنی‌دار مشاهده شده است (جدول ۵). یعنی افراد دارای خانوار با اعضای بیشتر، نسبت به کوچ‌روی علاقه بیشتری نشان داده‌اند و بالعکس (ایروانی، ۱۳۷۴).

جدول ۵- رابطه بین بعد خانوار و علاقه به کوچ خانوارهای کوچ‌رو نمونه

۲۸	۱۰	۱۸	۱ تا ۵ نفر
۴۰	۵	۳۵	۶ نفر به بالا
۶۸	۱۵	۵۳	جمع

$$X^2 = ۳/۹۰ \quad df = ۱ \quad \alpha = ۰/۰۵ \quad X^2 \geq ۳/۸۴ \text{ حد نصاب}$$

نتایج بررسی رضایت خانوارهای کوچ‌رو از کوچ، حاکی است که فقط حدود یک سوم آنها صریحاً اظهار داشته‌اند که از کوچ‌روی خود رضایت دارند. در ارتباط با دو متغیر رضایت و تعداد دام، رابطه‌ای معنی‌دار وجود دارد. یعنی افراد دارای تعداد دام بیشتر نسبت به کوچ خود رضایت بیشتری داشته‌اند و بالعکس (جدول ۶).

جدول ۶- رابطه بین تعداد دام و رضایت از کوچ در خانوارهای کوچ‌رو نمونه

۴۰	۷	۳۳	تا ۲۰۰ رأس
۲۸	۸	۲۰	۲۰۱ رأس به بالا
۶۸	۱۵	۵۳	جمع

$$X^2 = ۶/۲ \quad df = ۱ \quad \alpha = ۰/۰۵ \quad X^2 \geq ۳/۸۴ \text{ حد نصاب}$$

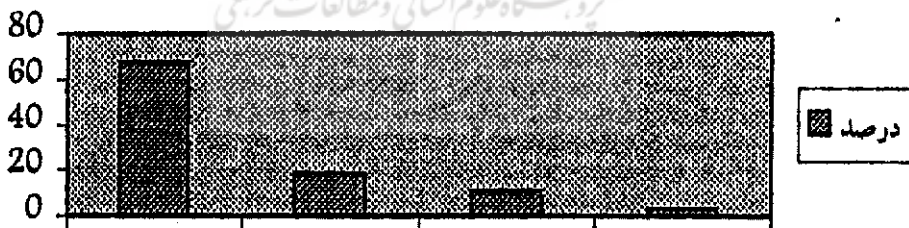
در خصوص ادامه کوچ روی در سال آینده، در حدود ۶۸ درصد خانوارهای کوچ رو نمونه اظهار داشته‌اند که در سال آینده کوچ خواهند کرد و علت کوچ خود را عمدتاً از روی ناچاری (چاره‌ای نداریم، کار دیگری نداریم) ذکر کرده‌اند. ارقام فوق مؤید این معنی است که خانوارهای کوچ رو عمدتاً از روی رضایت و یا علاقه شخصی و فردی به کوچ ادامه نمی‌دهند و به این علت که در صورت اسکان نمودن در منطقه قشلاق زمینه اشتغال وجود ندارد، این شیوه را ادامه می‌دهند (جدول شماره ۷).

جدول ۷- علل کوچ یا عدم کوچ در سال آینده توسط خانوارهای کوچ رو

علل	علت عدم کوچ در سال آینده			علت کوچ در سال آینده		
	عدم صرفه اقتصادی دامداری	نداشتن پروانه چرا	نداشتن دام	عادت و علاقه	میزان مراتع در قشلاق و خشکسالی	آب و هوای گرم و عدم تسهیلات در تابستان
درصد	۳۷	۳۳	۳۰	۳/۱	۱۰/۸	۱۸/۵
چاره‌ای نداریم، کار دیگری نداریم						۶۷/۶

(منبع: یافته‌های حاصل از تحقیق)

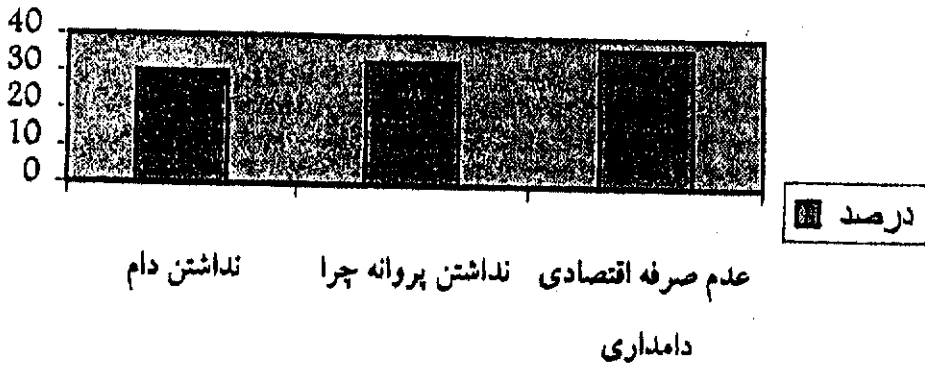
نمودار ۲- درصد علت کوچ در سال آینده



عادت و علاقه میزان مراتع در آب و هوای گرم چاره نداریم

(منبع: یافته‌های حاصل از تحقیق)

نمودار ۳- درصد علت عدم کوچ در سال آینده



(منبع: یافته‌های حاصل از تحقیق)

حدود یک دوم خانوارهای کوچ‌رو اظهار داشته‌اند که فرزندان آنها با توجه به ادامه وضع فعلی کوچ‌روی در سال‌های آینده به کوچ‌روی ادامه نخواهند داد که نشانگر وضعیت نامناسب کوچ‌روی در سال‌های اخیر است. مهم‌ترین اقدامات جهت بهبود وضع کوچ‌روی از نظر خانوارهای کوچ‌رو برای منطقه بیلاق، به ترتیب فراوانی، رفع ممانعت دیگران در بهره‌برداری از مراتع و دادن پروانه چرا برای منطقه قشلاق، دادن علوفه و جو و تأمین آب برای شرب دام بوده است. همچنین خانوارهای کوچ‌رو به ترتیب فراوانی، اقداماتی چون دادن علوفه و جو، رفع ممانعت دیگران در چرای دام، دادن مرتع یا پروانه چرا، دادن وسیله نقلیه و تضمین خرید دام را به عنوان اقدامات ضروری جهت ادامه کوچ‌روی در سال‌های آینده ذکر نموده‌اند. کوچ کردن به شیوه خانواری به نظر ۹۶ درصد رؤسای خانوارهای کوچ‌رو برای منطقه بیلاق و ۵۰ درصد آنها برای منطقه قشلاق مناسب‌تر از کوچ‌روی فردی است. ارقام فوق نشان می‌دهد که اگر شرایط زیست در قشلاق نیز فراهم باشد، رؤسای خانوارهای کوچ‌رو در این مورد نیز خانواری کوچ کردن را بر کوچ‌روی فردی ترجیح می‌دهند.

پاسخ خانوارهای کوچ‌رو نمونه به این سؤال که با کدام یک از شیوه‌های زندگی کوچ‌روی یا اسکان موافق هستند این بوده است که:

حدود ۶۸ درصد خانوارهای کوچ‌رو نمونه به کوچ روی و ۳۱ درصد آنها نسبت به اسکان ابراز علاقه بیشتری کرده‌اند. مهم‌ترین علل علاقه افراد به کوچ به ترتیب فراوانی، عدم وجود کار یا نداشتن تخصصی دیگر، استفاده از تغییرات آب و هوا و فعالیت در امور دامداری و در رابطه با افراد علاقمند به اسکان به ترتیب، عدم تحمل مشقات کوچ‌روی یا نداشتن درگیری در ارتباط با مرتع و استفاده از امکانات رفاهی بوده است. علل فوق نشان می‌دهد که در هیچ کدام از علل علاقه به اسکان یا کوچ‌روی، انگیزه‌های اقتصادی و علاقه شخصی وجود ندارد بلکه خانوارهای فوق به لحاظ شرایط نامناسب در هر دو شیوه زندگی مجبورند به یکی از این دو شیوه علاقه داشته باشند. حدود ۸۱ درصد رؤسای خانوارهای کوچ‌رو در صورت فراهم شدن زمینه اشتغال به امر اسکان ابراز علاقه نموده‌اند. رقم فوق نشان می‌دهد که به لحاظ مشقات و مشکلاتی که در کوچ‌روی وجود دارد، اگر زمینه اشتغال برای عشایر این ایل فراهم شود، اکثر آنها تمایل به اسکان دارند. زراعت، دامداری و کارگری در کارخانه به ترتیب فراوانی، مهم‌ترین زمینه‌هایی است که رؤسای خانوارهای کوچ‌رو مایلند در صورت اسکان در آن فعالیت نمایند.

در حدود ۸۷ درصد خانوارهایی که به امر اسکان تمایل نشان داده‌اند، محل مورد علاقه خود برای سکونت دائمی را همان روستاهای قشلاقی نام برده‌اند. علت این تمایل عمدتاً وجود خانه و زندگی، وجود اقوام و وابستگی‌های قومی و فرهنگی است و انگیزه‌های اقتصادی و مادی در این انتخاب یا تمایل، چندان مورد توجه نیست. حدود ۷۱ درصد خانوارهای کوچ‌رو برای اسکان مزیتی قائل شده‌اند و مهم‌ترین این مزیت از نظر آنها عدم تحمل مشقات کوچ‌روی یا نداشتن درگیری و اختلاف با دیگران در رابطه با مراتع بوده که در حدود ۹۲ درصد آنها به آن اشاره نموده‌اند. همان‌طور که ملاحظه می‌شود به علت عدم وجود زمینه اشتغال به کار، برای اسکان مزیت‌های اقتصادی و مادی، کمتر مورد توجه بوده است. دیدگاه خانوارهای کوچ‌رو نسبت به خانوارهای اسکان یافته، نشان می‌دهد که:

در حدود ۷۵ درصد از خانوارهای کوچ‌رویی که از تیره آنها افرادی ساکن شده‌اند، اظهار داشته‌اند که آنها از اسکان خود راضی هستند. در حدود یک سوم خانوارهای کوچ‌رو به طور صریح اظهار داشته‌اند که در آمد افرادی که اسکان نموده‌اند، نسبت به درآمد آنها در کوچ‌روی بیشتر شده است. از ۸۴ درصد خانوارهای کوچ‌رو که معتقد به وجود مشکل در شرایط اسکان بوده‌اند، مهم‌ترین این مشکلات را به ترتیب فراوانی، بیکاری، اذیت کردن گرما در تابستان و مشکل بودن ادامه فعالیت دامداری ذکر کرده‌اند که در این میان بیکاری از نظر فراوانی دارای اهمیت بیشتری است. به طور کلی نتایج بررسی‌های انجام شده در رابطه با دیدگاه خانوارهای کوچ‌رو نسبت به اسکان خانوارهای ساکن، نشان می‌دهد که به علت عدم وجود شرایط مناسب شغلی و رفاهی در منطقه قشلاق، خانوارهای کوچ‌رو در این رابطه نظر مساعد و امیدوارکننده‌ای نداشته‌اند. خانوارهای کوچ‌رو مهم‌ترین اقدامات لازم برای بهبود زندگی ساکنین یا کسانی که می‌خواهند اسکان یابند را به ترتیب فراوانی، ایجاد شغل و تأمین آب و زمین کشاورزی ذکر کرده‌اند. اقدامات فوق‌الذکر عمدتاً بیانگر یک مطلب کلی‌تر است و آن

ایجاد کار می‌باشد. خانوارهای کوچ‌رو به ترتیب فراوانی، مسائلی چون کمبود علوفه، نداشتن جایگاه مناسب نگهداری دام، کمبود آب برای شرب دام را مهم‌ترین مشکلات خود برای اجرای طرح پرواربندی در منطقه قشلاق ذکر کرده‌اند. مهم‌ترین اقدامات لازم جهت رونق و توسعه طرح پرواربندی از نظر خانوارهای کوچ‌رو به ترتیب فراوانی، دادن علوفه و جو کافی، کمک در ایجاد جایگاه مناسب نگهداری دام و تأمین آب برای شرب دام و اعطای وام بوده است. به طور کلی مهم‌ترین مشکلات خانوارهای کوچ‌رو که بیش از ۵۰ درصد خانوارهای فوق درگیر آن بوده‌اند، برای منطقه بیلاق به ترتیب فراوانی، کمبود داروی دامی، نداشتن پروانه چرا، ممانعت دیگران در عبور دام، مشکل دسترسی به پزشک و ممانعت دیگران در چرای مراتع و برای منطقه قشلاق، کمبود داروی دامی، کمبود علوفه و جو، عدم وجود پزشک دائمی، جایگاه نامناسب نگهداری دام و گران بودن قیمت علوفه و جو بوده است.

● نتایج حاصله در مورد خصوصیات مهم اقتصادی و اجتماعی خانوارهای ساکن نشان می‌دهد که:

حدود ۹۰ درصد خانوارهای ساکن در ۱۰ سال گذشته و ۶۰ درصد آنها در ۵ سال گذشته اسکان یافته‌اند که نشانگر رشد نسبی اسکان یا تخته قاپو شدن عشایر این ایل در ۱۰ سال گذشته و خصوصاً در سال‌های اخیر بوده است. خانوارهای ساکن عمدتاً به لحاظ مشکل عدیده‌ای که در کوچ‌روی داشته‌اند، به ناچار اسکان یافته‌اند و علاقه شخصی و انتخاب آزادانه در اسکان آنها نقش مهمی نداشته است به نحوی که مهم‌ترین علل عدم کوچ‌روی خود را به ترتیب فراوانی، نداشتن پروانه چرا، اشتغال در بخش غیردامداری، داشتن دام کم و ممانعت دیگران در بهره‌برداری از مراتع ذکر کرده‌اند. حدود ۹۱ درصد خانوارهای ساکن علی‌رغم اسکان در دامداری فعالیت دارند که این رقم نشانگر نبودن زمینه‌های دیگر اشتغال در منطقه سکونت و عدم مهارت رؤسای خانوارهای ساکن در زمینه‌های دیگر و احتمالاً علاقه آنها به این فعالیت می‌باشد. در حدود ۸۷ درصد خانوارهای ساکن، دامداری را به عنوان یکی از طرق امرار معاش خود ذکر کرده‌اند که این رقم مؤید این مطلب است که علی‌رغم اسکان خانوارها، فعالیت فوق هنوز در تأمین معاش آنها نقش اساسی خود را حفظ کرده است. زمینه‌هایی که رؤسای خانوارهای عشایر به غیر از دامداری در آن مهارت داشته‌اند، عمدتاً به ترتیب فراوانی، شامل زراعت، کارگری ساده و رانندگی بوده است و در مشاغل فنی و تولیدی (به غیر از کشاورزی) در رؤسای خانوارهای فوق مهارت قابل ملاحظه‌ای وجود ندارد.

● نگرش‌ها و تمایلات خانوارهای ساکن نسبت به کوچ و اسکان نشان می‌دهد که: حدود ۶۱ درصد رؤسای خانوارهای ساکن (۷۰ درصد همسران آنها) از اسکان یا عدم کوچ روی خود ابراز رضایت کرده‌اند. ارقام فوق نشانگر رضایت بیشتر همسران از اسکان نسبت به رؤسای خانوارها است.

جدول ۸ - علل رضایت و عدم رضایت خانوارهای ساکن از کوچ نکردن و میزان خانوارهای اشاره‌کننده به هر کدام (به درصد)

علل رضایت	علل رضایت			علل عدم رضایت	میزان خانوار
	عدم رضایت از کوچ نکردن	عدم رضایت از کوچ کردن	عدم رضایت از کوچ نکردن و کوچ کردن		
عدم رضایت از کوچ نکردن	۴۴/۳	۶۶/۷	۳۵/۷	۷۱/۴	روسای خانوار
عدم رضایت از کوچ کردن	۵۷/۱	۳۲/۹	۲۵/۰	۸۷/۵	همسران خانوار

(منبع: یافته‌های حاصل از تحقیق)

علل رضایت رؤسای خانوارهای ساکن از اسکان یا کوچ نکردن، فراغت از مشکلات و مشقات کوچ‌روی و دسترسی بهتر به امکانات رفاهی است و بهبود زندگی اقتصادی علل رضایت فقط یک سوم آنها بوده است. مهم‌ترین علت عدم رضایت کسانی که از اسکان یافتن خود راضی نبوده‌اند، عدم وجود کار و درآمد است. آب و هوای نامناسب منطقه قشلاق و عدم وجود لوازم و امکانات متناسب برای زندگی در این آب و هوا نیز از جمله علت دیگر نارضایتی این دسته از افراد بوده است. علی‌رغم اسکان، حدود ۵۲ درصد رؤسای خانوارهای ساکن و ۳۵ درصد همسران آنها نسبت به کوچ علاقه داشته‌اند. ارقام فوق موید دو مطلب است: اول این که رؤسای خانوارها نسبت به همسران خود علاقه بیشتری به کوچ‌روی داشته‌اند و دوم این که علت مهم این علاقه، عمدتاً به لحاظ عدم وجود زمینه کار و کسب درآمد در شیوه اسکان بوده است.

جدول ۹ - علاقه یا عدم علاقه روسا و همسران خانوارهای ساکن به کوچ

علاقه	میزان خانوار	علاقه	میزان خانوار
علاقه	۱۰۰	علاقه	۵۲/۲
عدم علاقه	۱۰۰	عدم علاقه	۴۷/۸
علاقه	۱۰۰	عدم علاقه	۳۴/۸
عدم علاقه	۱۰۰	عدم علاقه	۶۵/۲

(منبع: یافته‌های حاصل از تحقیق)

حدود ۷۴ درصد خانوارهای ساکن اظهار داشته‌اند که در آینده نیز قصد کوچ‌روی ندارند. این مسأله نشان می‌دهد همان‌طور که در شیوه اسکان انگیزه‌های جاذب اقتصادی وجود ندارد، در شیوه کوچ‌نشینی نیز به علت وجود مشکلات عدیده‌ای که

خصوصاً در رابطه با بهره‌برداری از مراتع هست، انگیزه‌های جاذب وجود ندارد و علی‌رغم مشکلاتی که خانوارها در اسکان دارند، اکثر آنها رغبت چندانی به ادامه مجدد کوچ‌روی ندارند.

جدول ۱۰- قصد کوچ روی در سال‌های آینده توسط خانوارهای ساکن (به درصد)

درصد	۱۰۰	۱۷/۴	۷۳/۹	۸۷	

(منبع: یافته‌های حاصل از تحقیق)

حدود ۶۱ درصد خانوارهای ساکنی که برای اسکان مزیتی قائل بوده‌اند، مهم‌ترین مزیت آن را نداشتن مشقات کوچ‌روی و بعد از آن دسترسی بهتر به تسهیلات رفاهی ذکر کرده‌اند. قابل ذکر است که فقط حدود ۱۱ درصد خانوارهای ساکن برای اسکان مزیتی اقتصادی مانند کسب درآمد بیشتر ذکر نموده‌اند.

جدول ۱۱- مزیت‌های اسکان از نظر خانوارهای ساکن و میزان خانوارهای اشاره‌کننده

درصد	۱۰۰	۶۰/۹	۳۹/۱	۵۹	۳۰	۱۱	

(منبع: یافته‌های حاصل از تحقیق)

از دیدگاه خانوارهای ساکن، درصد خانوارهای کوچ‌رو که از کوچ خود راضی هستند، کمتر از درصد خانوارهای ناراضی است. به نظر آنها مهم‌ترین علل رضایت گروه اول از کوچ‌روی خود به ترتیب فراوانی، کسب درآمد بیشتر، استفاده از هوای مطبوع بیلاق و داشتن مرتع و مهم‌ترین علل عدم رضایت گروه دوم به ترتیب فراوانی، نداشتن پروانه چرا، درگیر با دیگران در بهره‌برداری از مراتع، خشکسالی و کمبود مرتع و عدم صرفه اقتصادی دامداری بوده است. مشکلات خاص خانوارهای ساکن عمدتاً اقتصادی (نه اجتماعی) است. به طوری که مهم‌ترین

آن به ترتیب فراوانی، عدم وجود کار، مشکل دامداری در روستا و آب و هوای گرم و نداشتن امکانات زیست مناسب در آن ذکر شده است.

● نتایج حاصله در خصوص مشکلات اقتصادی و اجتماعی و زیستی خانوارهای کوچ‌رو و ساکن نشان می‌دهد که:

مهم‌ترین مشکلات خانوارهای ساکن در امر مربوط به دامداری به ترتیب فراوانی کمبود علوفه و نداشتن مرتع بوده است. در زمینه امور مربوط به زراعت، مهم‌ترین مشکلات خانوارهای ساکن به ترتیب فراوانی، کمبود آب کشاورزی، کمبود کود و کمبود وسایل و لوازم کشاورزی است. مشکل کمبود سهمیه نفت و گاز، قطع مکرر آب آشامیدنی به ترتیب فراوانی مهم‌ترین مشکلات خانوارهای ساکن در امور زیربنایی بوده است. از مشکلات مهم خانوارهای ساکن در زمینه لوازم و مصالح ساختمانی به ترتیب فراوانی، کمبود مصالح ساختمانی و اخذ پروانه ساخت و تأخیر در تحویل مصالح بوده است. در امور مربوط به تعاونی، خانوارهای ساکن کمتر مشکل داشته‌اند. کمبود اجناس مورد نیاز در تعاونی را می‌توان مشکل مهم مورد اشاره در این زمینه دانست. مشکل مهم خانوارهای ساکن در زمینه امور آموزشی، عدم وجود مدرسه راهنمایی بوده است. در زمینه بهداشت و درمان، عدم وجود پزشک دائمی و کمبود حمام و بهداشتی بودن آن از جمله مهم‌ترین مشکلات خانوارهای ساکن در این زمینه بوده است. نداشتن روحانی و قدیمی و کوچک بودن مسجد از مشکلات مهم خانوارهای ساکن در امور مذهبی است. در زمینه تولید و فروش صنایع دستی، مهم‌ترین مشکلات خانوارهای ساکن به ترتیب فراوانی، بازار نامناسب فروش فرش و گرانی مواد اولیه بوده است.

جدول ۱۲- مشکلات خانوارهای کوچ‌رو در رابطه با صنایع دستی به تفکیک نوع مشکل و منطقه کوچ (به درصد)

سایر	واسطه	گران بودن مواد اولیه	عدم وجود بازار مناسب	خیر	بلی	جمع	
۵	-	۳۵	۶۰	۷۳/۵	۲۶/۵	۱۰۰	ییلاق
۲/۵	۵/۵	۳۴	۵۸	۴۵/۶	۵۴/۴	۱۰۰	قشلاق

(منبع: یافته‌های حاصل از تحقیق)

به طور کلی مهم‌ترین مشکلات خانوارهای ساکن که بیش از ۳۵ درصد خانوارها درگیر آن بوده‌اند، به ترتیب فراوانی، بازار نامناسب فروش فرش، گرانی مواد اولیه، کمبود مصالح ساختمانی، عدم وجود پزشک دائمی، کمبود علوفه، کمبود حمام، نداشتن روحانی، کمبود آب کشاورزی و عدم وجود مدرسه راهنمایی بوده است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی

منابع

- ۱- سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، (۱۳۶۴). «آشنایی با جامعه عشایری ایران»، دفتر تحقیقات و برنامه‌ریزی درسی، وزارت آموزش و پرورش.
- ۲- افشار بیستانی، ا. (۱۳۶۶). «مقدمه‌ای بر شناخت ایل‌ها، چادرنشینان و طوایف عشایری ایران»، جلد اول.
- ۳- امان‌اللهی بهاروند، ا. (۱۳۶۷). «کوچ‌نشینی در ایران»، انتشارات آگاه، چاپ دوم، تهران.
- ۴- امان‌اللهی بهاروند، ا. (۱۳۶۰). «کوچ‌نشینی در ایران»، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- ۵- ایروانی، م. (۱۳۷۴). «بررسی جامعه‌شناختی عشایر عرب جرقویه»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان.
- ۶- ترکمان، م. (۱۳۶۴). «آشنایی با جامعه عشایری ایران»، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، دفتر تحقیقات و برنامه‌ریزی درسی، گروه آموزش و پرورش روستایی و عشایری.
- ۷- ثرت، ف. (۱۳۴۳). مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران، دیباچه.
- ۸- جغرافیای مفصل ایران (۱۳۶۷). «جغرافیای انسانی»، انتشارات اقبال.
- ۹- طیبی، ح. (۱۳۷۲). «مبانی جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی ایلات و عشایر»، دانشگاه تهران.
- ۱۰- ذخایر انقلاب (۱۳۷۰). «سازمان امور عشایری ایران»، شماره ۱۶.
- ۱۱- فیروزان، ت. (۱۳۶۲). «ایلات و عشایر»، مقاله ترکیب و سازمان ایلات و عشایر ایران.
- ۱۲- مشیری، ر. (۱۳۶۹). «مسایل نوین قبیله‌ای (قومی) نومادیزم»، مجله علمی پژوهشی دانشنامه، دوره‌ی عالی تحقیقات (دکتری) سال اول شماره ۲.
- ۱۳- مطیعی لنگرودی، ح. (۱۳۷۳). «جغرافیای اقتصادی ایران»، جلد اول چاپخانه دانشگاه فردوسی مشهد.
- ۱۴- نعمانی، ف. (۱۳۵۸). «تکامل فتودالیسم در ایران»، خوارزمی جلد ۱.
- ۱۵- مرکز آمار ایران (۱۳۶۷). «نتایج تفصیلی کل کشور، سرشماری اجتماعی اقتصادی عشایر کوچنده».
- ۱۶- نتایج سرشماری اقتصادی اجتماعی عشایر کوچنده (۱۳۶۶).
- ۱۷- وزارت برنامه و بودجه (۱۳۶۶). «مرکز آمار ایران»، سرشماری اجتماعی اقتصادی عشایر کوچنده کشور.